

را نیز پرداخت می کنند. جنگ نفت افروخته شده در عراق از دیدگاه های مختلف قابل بررسی است. اکنونگی پیدایش بحران: زمزمه خلع سلاح عراق از سال ۱۹۹۱ و پس از جنگ خلیج فارس در مجامع بین المللی آغاز شد و منشاء آن رامی توان در نگرانی دولت هایی جستجو کرد که خود عراق را به سلاح های کشتار جمعی و نامتعارف تجهیز نموده و از قدرت و بی پروایی دولت صدام در استفاده از این سلاح ها با خبر بودند.

پس از حوادث دامنه دار ۱۱ سپتامبر و جنگ افغانستان مسئله حمایت از تروریسم بین الملل بهانه مناسبی جهت حذف عراق از صحنه قدرت فراهم نمود. کشورهای غربی به صراحت دریافته بودند که قدرت یافتن عراق می تواند منافع آنان را در منطقه استراتژیک خلیج فارس به خطر اندازد و با حذف این ژاندارم از کنترل خارج شده با حضور مستقیم در منطقه و در صورت امکان با گماردن دولتی دست نشانده با شعار دموکراسی پایگاه رو به زوال خود را استحکام بخشند. بوش پس از موفقیت در افغانستان برای تکمیل افتخارات نظامی خود بنا بر سیاست گروه حامی خود در امریکا که به گروه بازها معروفند و بر تهاجم نظامی و سیاست تنش اصرار می ورزند به فکر حمله به عراق و در دست گرفتن کنترل منطقه نفت خیز خلیج فارس افتاد.

سیاست سردمداران غرب بر لیبرال دموکراسی منطبق است. سیاستی که بقای خود را

حمله به عراق هشدار به منطقه

غلام رضا میرزا خانی - سامعی شهر اصفهان

کشور های غربی بد صراحت دریافته بودند که قدرت یافتن عراق می تواند منافع آنان را در منطقه استراتژیک خلیج فارس به خطر اندازد
 آمریکا با فتح عراق و با در دست داشتن افغانستان و ترکیه و نفوذ بر روی کشورهای عرب منطقه تمامی منطقه را در دست دارد و تنها دولت نهادی کننده تمامیت خواهی او در منطقه، دولت ایران است

سرانجام بحران عراق نیشتر خورد و چرک و خون انباشته شده در این دمل آزار دهنده بیرون ریخت و اگر چه این اقدام تکلیف دولت های درگیر و هم چنین مجامع بین المللی را در قبال دولت بحران زای عراق مشخص نمود، اما عفو نت ناشی از این جراحی منطقه را به شدت آلوده نموده و اثرات آن علاوه بر منطقه خلیج فارس بسیاری از مناطق جهان را نیز درگیر احساسات ضد جنگ نمود. بحران عراق پس از کشمکش های فراوان به جنگ نفت تبدیل شد، جنگی که هیچ کدام از طرفین درگیر آن را تا بدین حد جدی تصور نمی کردند و تنها سعی در قدرت نمایی و لجاجت داشتند. مسائل پشت پرده ای که نیاز به تفاسیر گسترده دارد آن را به یک درگیری همه جانبه تبدیل نمود. بحرانی که در ابتدا تنها به یک رجز خوانی ساده شبیه بود به ناگاه تبدیل به جنگی خانمان سوز که دولت های زیادی را از قاره های مختلف جهان درگیر نمود و علاوه بر تلفات انسانی، بارش شدید مالی را نیز در درازمدت بر اقتصاد جهانی تحمیل می کند.

عراق که به تصور مقامات غربی و حتی دستگاه های جاسوسی قدرتمند انگلستان (اینتلجنت سرویس)، آمریکا (سیا) و اسرائیل (موساد) توان چندانی جهت جنگ و مقاومت در مقابل دول متحد را نداشت توانست با اتخاذ یک استراتژی مناسب که گروهی از کارشناسان جنگ آن را دیده شده از سوی روسیه می دانند ارتش مهاجم را زمین گیر نماید. این مسئله که سرانجام

جنگ نفت چگونه پایان می پذیرد شاید در آینده از لحاظ ساختار سیاسی و یا بازیگران دولت مرد این نمایشات تغییراتی را ایجاد کند. اما از لحاظ دست یابی به ایده ها و آرمان های مردم منطقه با وجود داشتن اهمیت، چندان تغییری در کلیت ماجرا به وجود نمی آورد. همان گونه که در مورد جنگ ایران و عراق و یا جنگ ۱۹۹۱ کویت شاهد بودیم، مردم منطقه تنها صورت مسئله ای را با گوشت و خون خود احساس می کنند و تاوان سردجویی و جنگ طلبی غرب را می دهند و از خوان گسترده ای که از ثروت های نفتی غارت شده ایجاد می شود نه تنها بهره ای نمی برند بلکه هزینه آن



در تنش می‌داند و همین امر دولت آمریکا را به سمت اتخاذ سیاست بحران سوق می‌دهد.

به علاوه پیروی از سیاست رقابت در سایه همکاری نیز که مبارزه با اسلام‌گرایی را مدنظر قرار می‌دهد از عوامل دیگر تشکیل دهنده تفکر بوش پسر است. هم چنین دولت آمریکا و انگلستان خود را ملزم می‌دانند تا از سیاست نظم نوین جهانی که نشأت گرفته از تفکر تئوریسین‌های غربی است پیروی کنند. سیاستی که مبتنی بر عوامل زیر است:

الف. رهبری در دست غرب سیاسی ب. ائتلاف علیه تروریسم ج. ائتلاف بر ضد سلاح‌های شیمیایی د. عدالت‌طلبی

۲. تلاش‌های بین‌المللی برای رفع بحران: طرح معضل عراق در سازمان ملل که تصور می‌شد مهم‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در زمینه مسائل بین‌المللی است آغاز و اکتش بود. در این میان امریکای بهانه‌جو با مطرح کردن بحث تروریسم و خلع سلاح عراق از سلاح‌های کشتار جمعی و انگلستان با حمایت از آمریکا سردمداران این نهضت بودند و در این راه تلاش کردند تا همراهی سایر اعضا را نیز بدست آورند. لیکن با وجود تلاش‌های فراوان و حتی تهدید و ارباب کشورهای تاثیرگذار مانند ایجاد بحران در چین برای تهدید روسیه و غرق کشتی فرانسوی به دلیل مقاومت سرسختانه کشورهای عضو اتحادیه اروپا بالاخص فرانسه و آلمان و هم چنین ممانعت بسیاری از کشورهایی که آمریکا و انگلستان آنان را متحدان و یا همراهان همیشگی خود می‌دانستند، موفق به دریافت تأییدیه لازم برای آغاز جنگ نشدند و این تأخیر زمانی باعث شد تا شورای امنیت بازرسان خود را به عراق اعزام نماید و فرصتی فراهم گردد تا دنیا بهتر بتواند در این مورد به اجماع و تصمیم‌گیری برسد.

در کنار این تلاش‌های بین‌المللی دولت‌های منطقه نیز تلاش می‌کردند تا از بروز این جنگ جلوگیری کنند. بنسبت سیزده کشور عربی هم چنین تلاش‌هایی در دولت ایران در راستای کشورهای منطقه مانند عربستان و قطر مذاکرات غیرمستقیم با دولت درگیر در جنگ مانند عراق و انگلستان از جمله همین اقدامات بود.

۳. آغاز جنگ: با استقرار نیروهای چند ملیتی در منطقه و در خلال تلاش بازرسان سازمان ملل و با وجود همکاری نسبی عراق و تاکید اعضاء

سازمان ملل بر عدم وقوع جنگ، آمریکا و متحدانش جنگ را آغاز کردند. بی‌اعتنایی به نظرات جهانی به همراه گزارشات سازمان‌های جاسوسی غرب مبنی بر مناسب بودن زمان حمله (که در خلال جنگ نادرستی آن مشخص گردید) باعث گردید تا جنگ تقریباً به صورتی ناگهانی و دامنه‌دار شعله‌ور گردد.

۴. اهداف دولت‌های درگیر در جنگ و غلظت ادوام آن: اهداف جنگ نفت را می‌توان به دو صورت جمع‌بندی نمود.

الف: اهداف ظاهری و مورد ادعای کشورهای مهاجم که عبارتند از: ۱. حمایت عراق از تروریسم بین‌المللی ۲. دمار آوردن سلاح‌های نامتعارف و سرپیچی از خلع سلاح توسط بازرسان سازمان ملل ۳. جنگ افزوئی و ناامن کردن منطقه ۴. غیردمکراتیک بودن دولت عراق و حکومت دیکتاتورمابانه صدام بر نفت و نفع‌کشیده عراق

ب. اهداف اصلی و مورد نظر دولت‌های مهاجم به سردمداری آمریکا: ۱. حذف دولت صدام که به عنوان زائیدازم و قدر تاریخ‌مصرف گذشته غرب در منطقه به‌شمار می‌رفت ۲. تسلط دائمی بر منطقه با گماردن نیروهای نظامی به بهانه متشیخ بودن منطقه نفت خیز و استراتژیک خلیج فارس ۳. خلع صدام و استقرار یک دولت دست‌نشانده و مطیع در عراق ۴. ارباب دولت‌های نفتی خلیج فارس شحمایت از دوستان آمریکادر منطقه.

۵. نقش دولت‌های غیردرگیر در جنگ: دولت‌های همسایه از سویی نگران این مطلب هستند که دامنه این جنگ به کشورهای آنان نیز کشیده شود و آنان نیز از اثرات این جنگ خانمان سوز در امان نمانند و خسارت تخریبی جنگ آنان را به کام خود کشند، و از سوی دیگر تبلیغات رسانه‌ها این شبهه را در ذهن آنان بوجود آورده است که می‌توانند هدف بعدی غرب باشند و همین خاطر در ابتدا تلاش خود را در جهت جلوگیری از تشدید آن بکار بستند.

۶. آینده: پیش‌بینی آینده منطقه امری غیرممکن است اما برای روشن شدن زوایای تاریک این بحران می‌توان چند فرضیه را مطرح نمود و از روی قرائن و شواهد موجود به نتیجه‌گیری‌هایی رسید که تنها گذشت زمان صحت و یا سقم آنها را برای ما مشخص خواهد کرد

۱. آمریکا و متحدانش در جنگ پیروز شده و با تغییر حکومت عراق و از بین بردن سلاح‌های غیرمتعارف صدام به کار خود پایان دهند که فرضیه‌ای خوش‌بینانه و در عین حال منطبق با ادعای آنان است.

۲. آمریکا و متحدانش در جنگ پیروز شده و با تغییر حکومت به بسط قدرت خود در منطقه ادامه داده و با دخالت در ساختار سیاسی دولت‌های منطقه حضور دائمی خود را در منطقه تثبیت نمایند و هم‌زمان به گسترش منافع خود بپردازند.

این تئوری با در نظر گرفتن پیش‌فرضیهایی هم چون حضور اسرائیل و ترکیه در منطقه می‌تواند به تشکیل یک مثلث قدرتمند و حافظ منافع غرب در منطقه بینجامد.

۳. عراق با در پیش گرفتن یک استراتژی پیچیده و درگیر کردن نیروهای مهاجم در یک جنگ فرسایشی و هم‌زمان با برانگیختن احساسات جهانی، دول مهاجم را مجبور به پایان دادن به جنگ نماید که در این صورت ویتنامی دیگر برای آمریکا به وجود می‌آید و این از دولت صدام حسین ساخته است. چرا که صدام هنرپیشه‌ای ماهر است که می‌تواند در نقش‌های مختلف به خوبی هنرنمایی کند.

باتمام این تفاسیر در پایان باید گفت که آمریکا با فتح عراق و با در دست داشتن افغانستان و ترکیه و نفوذ بر روی کشورهای عرب منطقه تمامی منطقه را در دست دارد و تنها دولت تهدیدکننده تمامیت‌خواهی او در منطقه، دولت ایران است و این مسئله می‌تواند به شدت امنیت ایران را به خطر اندازد. این امر که آمریکا پس از این پیروزی‌های بزرگ هم چنان اجازه دهد تا ایران هم چون خاری در چشمان او باقی بماند امری بعید و ناممکن به نظر می‌رسد.

در این موقعیت بحرانی دولت مردان باید تلاش کنند تا با اتخاذ سیاستی قاطع و در عین حال احتیاط‌آمیز، علاوه بر پیش‌گیری از بهانه‌جویی غرب، از بروز اعمال تحریک‌آمیز از سوی بعضی سوء استفاده‌کنندگان داخلی نیز جلوگیری نماید. چرا که تنها یک اشتباه کوچک حتی از سوی دوستان متعصب می‌تواند بهانه لازم را به دست جنگ‌طلبان بدهد تا با ایجاد بحرانی هم چون غائله عراق ایران را هم به ورطه ناخوشی بکشانند.